

خبر

روحانی با اشاره به انتخابات آمریکا:

در نهایت ملت ماست که پیروز می‌شود

● ایستار: رئیس‌جمهور در مراسم افتتاح طرح ملی انتقال آب خلیج فارس به فلات مرکزی کشور عنوان کرد: «۹ ماه دیگر از عمر دولت باقی است و ما با همان امید و تلاش روز اول، فعالیت می‌کنیم و هیچ تردیدی در موفقیت دولت و ملت برای آبادانی کشور ندارم.» او ادامه داد: «همیشه تحریم وجود داشته است ولی جنگ اقتصادی آن هم در شرایط کرونا این‌گونه نبوده است. آن آقایی که در کاخ سفید بود، در دوران کرونا بی‌رحمانه تحریم و جنگ را تشدید کرد. آنها به هیچ اصول انسانی، حقوق بشری و قوانین بین‌المللی پایبند نبودند ولی مطمئن این ملت ماست که در نهایت پیروز می‌شود.» او گفت: «اینکه دولت آمریکا دست هرکسی باشد، مهم نیست؛ زیرا دولت آنها در برابر ملت ما تسلیم می‌شود. آنها راهی ندارند که در برابر صبر و مقاومت ملت ما، فشار افکار عمومی و قوانین و مقررات بین‌المللی تسلیم شوند. ملت ما در برابر کرونا، تحریم‌ها و سختی مقاومت و ایستادگی کرد. افتتاح همین پروژه‌ها نشان روشنی است که ملت ما مقاومت کرد و کمزور نمی‌کند و ما در نهایت پیروز می‌شویم». روحانی تأکید کرد: «بی‌تردید ما می‌توانیم در برابر دشمنان موفق شویم و آنها را وادار کنیم قانون و مقررات و پیمان را اجرا کنند». رئیس‌جمهور با اشاره به طرح ملی انتقال آب خلیج فارس به فلات مرکزی، گفت: «این طرح‌ها به کوری چشمان کسانی افتتاح می‌شود که فکر می‌کردند با تحریم و فشار می‌توانند ملت ما را متوقف کنند. ما با وجود تحریم و فشار و سرکار بودن دولتی تروریستی در آمریکا توانسته‌ایم قدم‌های بزرگی برداریم.»

ادامه از صفحه اول

سوسیالیست‌ه‌راسی

این تعداد رای به باییدن به چهره‌ای که نه کارمیزماست است و نه از مجبویست چندانی برخوردار است، جای درنگ دارد. اینجا جایی است که آرای مردم معنایی بیش از انتخاب یکسی از نامزدها را دارد و درک این معنا برای ما، بسیار آسان است. آرایی که معنایی همچون ابراز خشم، خلاصی از وضعیت موجود و ترس از آینده را در خود دارد و همین‌هاست که اصالت دموکراسی را زیر سؤال می‌برد؛ اضافه‌شدن معانی دیگر به دموکراسی که زمانی هدفش تعیین بخشیدن به آزادی و ایجاد دنیایی بهتر بوده است. «ایجاد دنیای بهتر» چیزی است که نمی‌توان آن را در انتخابات این دوره آمریکا دید. بی‌تردید حال دموکراسی وخیم است و دست بر قضا در جوامع دموکراتیک بیش از هر جای دیگر نشانه‌های این بیماری بروز می‌کند. از این‌روست که حامیان دموکراسی ناگزیرند عصیان به‌وجودآمده را نشانگر اقتدار دموکراسی بدانند. بی‌دلیل نیست ما امروز بیش از هر زمان دیگر شاهد این هستیم که حامیان دموکراسی از قانون و امکانات قانونی در صیانت از آرای مردم و دموکراسی سخن می‌گویند. این حجم دفاع از دموکراسی بیش از آنکه دفاع از آن باشد، پنهان‌کردن عصیان جامعه‌ای بحران‌زده است که دیگر دموکراسی تمام‌وکمال در آن کار نمی‌کند. سرمایه‌داری این بار صرفا با بحران سرمایه رویه‌رو نیست بلکه با بحران‌های دیگری ازجمله هویت هم رویه‌روست. مردمی که احساس می‌کنند صورت ندارند و با خشم بازگشته‌اند تا در قالب آرای خود صورت خود را بازپایند. پس به این معنا، جامعه آمریکا جامعه‌ای بحران‌زده است: «جامعه بحران‌زده به معنای جامعه‌ای نیست که در آن بی‌هدفی یا بی‌فایده‌گی حاکم است و مردم نمی‌دانند چه می‌خواهند بلکه جامعه‌ای است که با لبریزشدن از اهداف و معناها در نوعی اشباع‌شدگی تمامی مردم، خود عین خواسته‌های خویش می‌شوند، بدون اینکه بتوانند آرزوهای دیگری مطرح کنند. یک یک‌کار غیر از داشتن یک شغل چه هدفی می‌تواند داشته باشد؟ و یک کوخ‌نشین؟ و خانواده‌هایی که در حومه‌های تهدیدآمیز زندگی می‌کنند؟ در این وضعیت سرریز اهداف به نظر جایی برای پیرشش از نفس اهداف و معناها وجود ندارد.» «بی‌تردید مطالبه یک شغل یا یک سرپناه موجه است ولی عصیان و سرپیچی فقط از داشتن یا کمبود سر برنمی‌آورد. عصیان همواره محصول یک افزایش است. آن هنگام که یک گروه عزم جزم می‌کند تا علیه برچسب‌های بی‌چون‌وچرا و محدودیت‌های جایگاه تعیین‌شده برای خود بشورد.»

مردم آمریکا به دلیل زیستن در جامعه دموکراتیک، بیش از هر زمان دیگری پی برده‌اند این دموکراسی رهایی به رهایی نیست. آنان در پی رهایی‌اند، از همین‌رو برچسب‌هایی که رقیبان به بایدن می‌چسبانند، بیش از آنکه زمینه اخلاقی و اقتصادی داشته باشد، برچسب‌های سوسیالیستی است. رقیبان بایدن با سوسیالیست‌هراسی هم قادر به شکست او

نشدند و این مهم بیش از آنکه نشئت‌گرفته از این باشد که بایدن باوری جدید به سوسیالیست‌نارده با دست‌کم مرام سیاسی او چیز دیگری است، نشانگر سوسیالیسم‌هراسی در جامعه آمریکاست که هرروز بیش از پیش کارکرد خود را از دست می‌دهد.

۲.۱. کتاب «مقاومت آفرینش است» میشل بن‌ساقیق و فلورانس اوپنا، ترجمه حمید نوچی، نشر چشمه.

امیرحسین جعفری: سرنوشت عباس امیرانتظام

نقطه‌ای تأمل‌برانگیز در تاریخ معاصر ایران است. شخصی که پس از مسئولیت‌های مهم متعدد، دوران زیادی را در زندان سپری کرد و تعبیرهای گوناگونی از عملکرد او وجود دارد. جناح‌ها و شخصیت‌های سیاسی نیز به‌مرور زمان تصورات مختلفی درباره او داشته‌اند؛ از دانشجویان پیرو خط امام تا جنبش مسلمانان مبارز و حزب توده. ۱۳آبان فارغ از تسخیر سفارت آمریکا و بررسی عملکرد دانشجویان با سرنوشت عباس امیرانتظام نیز گره خورده است؛ کسی که دانشجویان افشاگر اسناد مربوط به او، سال‌ها بعد به دلجویی‌اش پرداختند. در این زمینه با الهه میزانی(امیرانتظام)، همسر عباس امیرانتظام گفت‌وگویی کردیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

خودتان را معرفی کنید.

من الهه میزانی هستم، اما به تقاضای مؤکد همسرم در محافل سیاسی-اجتماعی با نام امیرانتظام خود را معرفی می‌کنم، زیرا تنها بازمانده ایشان در ایران هستم که شاید بتوانم نام ایشان را زنده نگه دارم؛ مانند شادروان خانم بازگان، اردلان، فروهر و... . مادر دو فرزند هستم، از طرف خانواده پدری از خاندان قاجار بوده و از طرف مادری آذری هستم؛ به‌طوری‌که پدر و مادرم سردار رشید نوایان حاکم آذربایجان در زمان قاجاریه بودند. در تاریخ دی ۱۳۳۳ در تهران متولد شدم و دوران دبستان خود را در مدرسه نیمه‌آمریکایی میس مری- بهار نو گذراندم. بعد از پایان دبستان در مدرسه بین‌المللی ایران «ایران‌زمین» در خیابان انقلاب (۲۴ اسفند سابق) ادامه تحصیل دادم که جزء ۱۵ مدرسه بین‌المللی برتر در جهان بود. ساختمان این مدرسه متعلق به سفارت کره بود که ازسوی بنیان‌گذاران آن و به کمک آموزش‌وپرورش وقت خریداری شده تا این مدرسه در آنجا با بگیرد که خالی از لطف نیست. امتیاز این مدرسه آن بود که علاوه‌بر دیپلم ششگانه سوئیس (International Baccalaureate) دیپلم آمریکایی، هر دانش‌آموزی می‌توانست در صورت تمایل برای اخذ دیپلم ایرانی هم تلاش کند. پدرم اصرار داشت من دیپلم زبان فارسی را هم داشته باشم. نکته درخورتوجه درباره این مدرسه این است که فرزندان صاحب‌منصب‌هایی مانند آقای شریف‌امامی، آقای خلعتبری و... در این مدرسه حضور داشته و در کنار آنها خانم نیلوفر (معصومه) ابتکار نیز از شاگردان این مدرسه بودند. یاد می‌آید که دهه‌ها بعد یکی از هم‌دوره‌ای‌ها به من چنین گفت که بین روزگار چگونه چرخید که یکی مانند تو از این مدرسه به زندان رفت و دیگری نیلوفر شد که دست راست دولت فعلی قرار گرفت؛ من بدون اینکه خود متوجه باشم، از سنین نوجوانی به مسائل سیاسی- اجتماعی بسیار علاقه‌مند بودم و کنجکاو عجیبی داشتم و با اینکه زبان اول من فارسی نبود، سعی می‌کردم نشریات و کتاب‌هایی که در دسترس نبود که به کمک یکی از اشنایان پدر در دسترس قرار می‌گرفت، مطالعه کنم. از نوجوانی به علت علاقه وافر به سیاست هدفم ورود به سیاسی‌ترین دانشکده دانشگاه لندن یعنی مدرسه اقتصاد و علوم سیاسی لندن (LSE) بود که شخصیت‌های سیاسی مهمی مانند پوپر، کندی و... در آنجا تحصیل یا تدریس کرده بودند. در آن دوران بسیار فشرده درس خواندم تا جایی که مقطع لیسانس را در سه سال و فوق لیسانس را یک‌ساله به پایان رساندم. گفتنی است که رشته تحصیلی من در مقطع لیسانس علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و کارشناسی ارشد اقتصاد سیاسی بود. پس آن آماده ورود به دوره دکترا جهت تحقیق در زمینه چگونگی بازار مشترک خاورمیانه که درحال‌حاضر مورد بحث است، شدم. از آنجایی‌که برای آغاز ورود دکتر چندان مانع فرصت تحصیلی نبودم تصمیم گرفتم در اواخر سال ۱۳۵۶ به ایران بازگردم و ضمن استراحت بازار کار ایران را برای آینده بررسی کنم، ولی از آنجایی‌که بلافاصله جرقه تحولات منجر به انقلاب زده شد و ازسوی دیگر مادرم که هنوز جوان بودند، دچار بیماری سختی شده بودند، تصمیم گرفتم در ایران ماندگار شوم. در این حال با کارکردن و کسب تجربه با این فرصت آشنایم؛ که بنابراین تصمیم گرفتم با هدف ورود به عرصه کار، برای سازمان‌های متناسب با رشته‌ام آزمون ورودی بدهم. گو اینکه در همه سازمان‌ها به دلیل پشتوانه تحصیلی و دانشگاهی که در آن تحصیل کردم، موفق به ورود شده ولی با توجه به سن و تجربه اندکم ترجیح دادم در بانک توسعه کشاورزی زمان به مدیریت‌عاملی شادروان مهدی سمیعی اقتصاددان به نام همکاری خود را در کنار پرسنل جوان و تحصیل‌کرده آغاز کنم. محیط بانک توسعه یادآور اتصفر دانشگاهی بود؛ بنابراین چنین بود که با خشنودی فراوان در میهنم مشغول به کار شدم و به‌دلیل وقایع ناشی از تحولات ۱۳۵۷ امکان بازگشت به تحصیل در انگلیس برابم مقدور نشد. البته اکنون که به گذشته نگاه می‌کنم اگر می‌شد سرنوشت را از سر نوشت، من باز همین‌گونه عمل می‌کردم؛ زیرا حضور در آن دوران بحرانی موجب شد که من از یک دنیای فانتزی به واقعیت‌های جامعه‌ام بیشتر پی برده و میهن- و هم‌میهنانم را

سیاست

در گفت‌وگو با «شرق» مطرح شد

عباس امیرانتظام به روایت همسرش

هیچ مطلبی درباره خیانت و جاسوسی امیرانتظام نیافتند



عباس

شهید تاجیک، شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

شرق

امیرحسین جعفری: سرنوشت عباس امیرانتظام

عباس امیرانتظام به روایت همسرش

هیچ مطلبی درباره خیانت و جاسوسی امیرانتظام نیافتند

هیچ مطلبی درباره خیانت و جاسوسی امیرانتظام نیافتند

مصلحت دید که شرکت‌ها و بقیه مایملک خود را به نام دوستان بسیار نزدیک و معتمد خود کند که سال‌ها بعد نشان داد این تصمیمات به‌درستی اتخاذ شده است. اگر چه متأسفانه شرکت‌ها همه به یغما رفتند ولی تعداد معدود املاک به نام همسرم بازگردانده شد. فروش این املاک موجب ایجاد پشتوانه‌ای شد که با سرمایه آن توانستم پشتوانه قابل قبولی در زندگی تاکنون داشته باشیم.

● آقای امیرانتظام چه مدت و با چه اتهاماتی در زندان بود؟

در جلسات محاکمات امیرانتظام اتهام رابطه با آمریکا که آن را جاسوسی تلقی کردند، در ذهنیت عموم جای داده شد. تحمل دوران کثیر را می‌توان به چند دوره تقسیم کرد؛ یک دوره بی‌وقفه از آذرماه ۱۳۵۸ آغاز و تا آبان ۱۳۷۵ که به‌صورت اخراج از زندان ادامه داشت. دوران بلاتکلیفی که از آبان ۷۵ آغاز و در شهریور ۷۷ پایان یافت. در این ماه همسرم به دلیل شکایت خانواده لاجوردی محکوم و در حکمی برای تحمل کثیر زندان ابد خود به زندان اوین بازگردانده شد. دوره سوم همان‌طورکه اشاره شد، از شهریور ۱۳۷۷ آغاز و تا مهر ۱۳۸۵ پایان یافت. البته لازم به یادآوری است که در دوره سوم ایشان به دلیل تشدید بیماری‌های عیدیه توانستند از امکان مرخصی‌های کوتاه‌مدت بهره‌مند شوند. دوره چهارم هنگامی‌که این‌جانب طبق روال برای تمدید مرخصی استعلاجی به دادگاه انقلاب مراجعه کردم، مقامات مسئول براساس گواهی‌های عیدیه صادرشده ازسوی پزشکی قانونی مبنی‌بر اینکه همسرم قادر به تحمل کثیر گواهی‌های عیدیه صادرشده ازسوی پزشکی قانونی مبنی‌بر اینکه همسرم قادر به تحمل کثیر و ادامه درمان در زندان نیست، مشمول استفاده از امکان مرخص‌های استعلاجی به‌طور مستمر شد؛ به عبارتی دیگر این مرخص‌ها از سال ۸۵ تا زمان درگذشت ایشان در تیر ۱۳۹۷ بی‌وقفه ادامه داشت؛ به‌صورتی‌که در سال‌های اولیه به‌طور ماهانه تمدید ولی به‌تدریج این تمدید به‌صورت ماهانه انجام می‌شد. عباس امیرانتظام تا آخرین لحظه حیات خود همچنان یک زندانی سیاسی با حکم زندان ابد بود که این‌جانب یک‌سال پس از درگذشت ایشان وثیقه ملکی را پس از سال‌ها توانستم آزاد کنم.

● پیش از دوره سوم یعنی زندان شه‌ریور ۱۳۷۷ چه اتفاقی روی داد که ایشان مجدد روانه زندان شدند؟

در سال ۱۳۷۵ با توجه به نظر مساعدی که همسرم نسبت به کاندیداتوری آقای خاتمی داشتند، در این انتخابات برای اولین‌بار هر دو ما شرکت کردیم. نظر ایشان بر این بود که اگر خاتمی برنده انتخابات شود، حضور ایشان در صحنه سیاسی کشور نقطه عطف در جریان‌های سیاسی ما خواهد بود. بسیاری از دوستان مخالف شرکت در انتخابات بودند اما امیرانتظام بر این باور بود که آقای خاتمی برنده این انتخابات خواهد شد؛ آن‌هم با رأی چشمگیر و این پیش‌بینی درست از آب درآمد. همان‌گونه که اشاره شد، این دومین حضور ایشان در انتخابات بود. اولین آن شرکت در انتخابات فرزندوم جمهوری اسلامی بود که ایشان رأی آری داد و دومین آن همین انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۷۶ بود. نحوه دولت‌مداری آقای خاتمی اما آن‌گونه نشد که امیرانتظام انتظار داشت. بنابراین نامه‌های بسیاری که جنبه پیشنهادی داشت از درون زندان برای آقای خاتمی روانه کرد. همه این نامه‌ها بی‌پاسخ ماندند. به‌استثنای یک‌بار که تقاضا بی‌پاسخ ماند اما تغییرات لازم ایجاد شد.

● شرکت محمد منتظری در دادگاه امیرانتظام چیست؟

آقای محمد منتظری سال‌ها دوره‌های چرکی دیده و با لیبی در ارتباط بود و تصمیم گرفته بود محموله‌هایی برای لیبی و کمک به نهضت‌های رهایی‌بخش بفرستد. امیرانتظام به‌عنوان سخنگو و معاون نخست‌وزیری، جلوی این فرقه می‌خواست. ماجرا در اینجا ختم‌شد پیدا نکرد و فرقه محمد منتظری دائم علیه امیرانتظام مطالبی را مطرح می‌کرد، به‌ویژه آنکه برخی مواقع با جنجال و دعوا همراه بود. البته چند روز بعد از جلسه پایانی محاکمه امیرانتظام، ایشان بر اثر انفجار بمب در دفتر حزب جمهوری در هشت تیر ۱۳۶۰، در رحمت خدا رفت. برادر ایشان آقای احمد محمد منتظری بارها بابت محمد منتظری از امیرانتظام دلجویی کرد. احمد منتظری طبق وصیت امیرانتظام نماز میت بر پیکر امیرانتظام را خواند. وقتی آیت‌الله منتظری فوت کردند، آقای باقی با ما تماس گرفت و گفت من الان قم هستم و احمدآقا گفت این یک وظیفه صحت کنند و احمدآقا گفت این یک وظیفه شرعی است که برای خاکسپاری حلالیت بطلبیم و من آمیدوارم اگر کوتاهی در مورد شما شده، عذر مرا بپذیرید و پدر را حلال کنید و امیرانتظام گفت آقای منتظری را تاریخ حلال کرده است. بعد از مدتی هم خانواده ایشان به منزل ما آمدند؛ آقایی هم همراهشان بود که نمی‌شناختم. آقای منتظری هم گفت شما ایشان را می‌شناسید. آن آقا گفت من با شرمندگی بازجوی شما بودم و امروز از شما حلالیت می‌طلبم. آیت‌الله منتظری هم خیلی دلشان می‌خواست امیرانتظام را ببیند. امیرانتظام نیز همیشه برای او پیام می‌فرستاد.

ادامه در صفحه ۴

معاون اول قوه قضائیه خواستار شد

● شرق: حجت‌الاسلام غلامحسین محسنی‌از‌های، معاون‌اول قوه قضائیه گفته است: برخورد با مفسدان داخل حکومت ازجمله قوه قضائیه، قوه مجریه و دستگاه‌های دیگر باید نسبت به برخورد با سایر مفسدان «سخت‌تر» و «شدیدتر» انجام شود. در یک دهه اخیر شاهد رشد گسترده فساد در کشور بوده‌ایم و ده‌ها پرونده فساد اقتصادی که متهمان آنها افراد شناخته‌شده یا مرتبط با مسئولان و مدیران عالی‌رتبه بوده‌اند، تشکیل شده است. وقتی اخبار اختلاس ۱۳۳ میلیاردتومانی در سال ۷۴ رسانه‌ای شد، اولین فساد مالی بزرگی بود که از سوی فاضل خداداد و با تبانی با کارمندان بانک صادرات ایران روی داده بود. فاضل خداداد در نهایت به اتهام فساد مالی و تخلف اقتصادی به اعدام محکوم شد. او تا شهریور ۱۳۹۰ رکورددار اختلاس در ایران بوده و پس‌از او مه‌آفرید امیرخسروی بود که با اختلاس سه‌هزارمیلیاردتومانی خود، متهم بزرگ‌ترین صاحبان قدرت و سیاست توانسته بودند ثروت خود را جمع کنند، کم‌کم پرونده‌های بیشتری تشکیل شد و کار به جایی رسید که قوه قضائیه مجبور شد برای سرعت‌بخشیدن به روند این پرونده‌های فساد اقتصادی، محاکم ویژه برپا کند. در این بین، خود دستگاه قضا هم از رسیدگی قضانی در امان نبود و طبری، فردی عالی‌رتبه در دستگاه قضا، بازداشت شد. پرونده فساد اکبر طبری در قوه قضائیه یکی از همین پرونده‌ها بود که خبر از وجود باندی فاسد و قدرتمند در دستگاه قضا می‌داد که سال‌ها در امنیت قضائی، عدالت را پایمال می‌کردند. یکی از نکات مهم این پرونده، نام قضات معروف و البته قدرتمند دستگاه عدلیه بود که بر برابر رشوهِ‌های میلیونی، جانب صاحبان ثروت و قدرت را می‌گرفتند و در پرونده‌های فساد، با اعمال نفوذ مانع از پیگرد قضائی مجرمان قدرتمند می‌شدند.

هرچند با مرگ مشکوک قاضی منصوری در بخارست که هنوز علت دقیق مرگ مشخص نشده است، نام افرادی که این قاضی مشهور با دریافت رشوهِ‌های میلیاردی گفته ترازوی عدالت را به سمت بی‌گناهی آنها سنگین کرده بود، مشخص نشد، طبق روال قانونی ایران، با مرگ متهم پرنده مختومه شده است.

درست است پرونده طبری رنگ هشداری از احتمال وجود پاند فساد حتی در دستگاه قضا بود، اما مسئله فقط یک نهاد و ارکان و سازمان نیست؛ فساد ریشه دوانده و برخورد با آن در صورت بی‌طرفی دستگاه قضا می‌تواند نتایج خوبی به بار بیاورد.

حال حجت‌الاسلام غلامحسین محسنی‌از‌های در آیین تکریم و معارفه رؤسای پیشین و جدید دادکستری کل استان کردستان با تأکید بر اینکه کارها را به‌گونه‌ای پیش برده که حقی از کسی ضایع نشود، تصریح کرد: باید حتماً با مفسدان برخورد و با مفسدین داخل حکومت، قوه قضائیه، قوه مجریه و دستگاه‌های دیگر برخورد «سخت‌تر و شدیدتر» انجام شود. وی برخورد با مفسدان را یک ضرورت دانست و گفت: باید از فعالان اقتصادی، جهادگران عرصه اقتصاد و کسانی‌که توانایی سرمایه‌گذاری و ارتقای تولید را داشته‌و در رفع گرفتاری‌های مردم مؤثرند، حمایت شده و هدایت شوند. محسنی‌از‌های بیان کرد: باید به‌گونه‌ای با فساد برخورد شود که ضربه‌ای به حوزه تولید، فعالان حوزه اقتصادی و مدیرانی که با ابتکار و خلاقیتشان در زمان جنگ اقتصادی، راه‌های میان‌بر پیدا کرده و مسائل را پیش برده‌اند، وارد نشود. این یک هنر است و نیاز به همدلی و برنامه‌ریزی دارد. وی با تأکید بر اینکه باید در احیای حقوق عامه، روند احقاق حق دو طرف رعایت شود و به کسی ظمی وارد نشود، تصریح کرد: نباید در بررسی پرونده‌ها و احقاق حق یک نفر، حق طرف مقابل ضایع شود. معاون‌اول قوه قضائیه با بیان اینکه «اگر با بی‌تدبیری و کم‌دقتی حقی از کسی ضایع شود، مسئول هستیم»، ادامه داد: باید در نظر گرفته شود.

در نظر گرفته شود.

نگاه

محمود صادقی:

نتیجه انتخابات آمریکا نباید باعث نزاع سیاسی در ایران شود

● محمود صادقی، نماینده مجلس دهم، در صفحه شخصی خود در توئیتر با اشاره به نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده آمریکا نوشت: «نتیجه انتخابات آمریکا هرچه باشد، نباید موجب نزاع بین جناح‌های سیاسی در داخل شود. فرد پیروز هر کسی که باشد، اگر به برجام برگردد، نشانگر آن است که سیاست فشار حداکثری دولت آمریکا بر ایران ناکام مانده و این یک موفقیت تاریخی برای کل نظام خواهد بود.»